



کتابخانه جامع  
جامعه العلوم  
معاونت پژوهش  
مبصر معلمی علوم اسلامی  
۱۳۸۳

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی

عنوان:

مسقطات خیار عیب

استاد راهنما:

حجة الاسلام و المسلمین آقای عابدیان

استاد مشاور:

حجة الاسلام و المسلمین آقای عبدالعباس حیاتی

نگارنده:

محمد حسین حلیمی

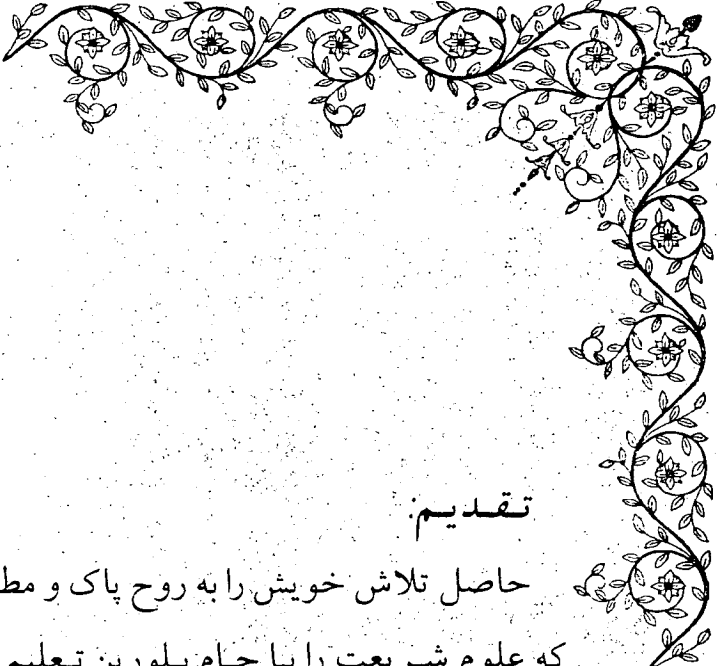
سال تحصیلی: ۸۴-۱۳۸۳

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۴

تاریخ ثبت: ۱۳۸۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

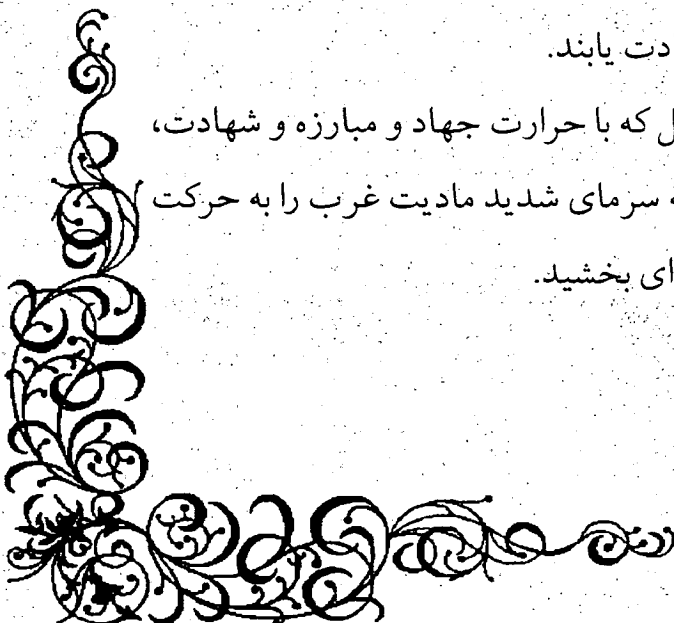


## تقدیم:

حاصل تلاش خویش را به روح پاک و مطهر امام صادق علیه السلام که علوم شریعت را با جام بلورین تعلیم به کام تشنگان علوم و معارف اهل بیت ریخت و نخبه گان از اقصی نقاط عالم با سرکشیدن آن مایه حیات، حیات جاویدانی یافتند اهدا می نمایم.

تقدیم به همه ی فقهاء، آن ستارگان که با گردش هدفمند و خستگی ناپذیر خدا محورانه ی خویش، نور علم از خورشید علم کسب نموده در افق های دیگری طلوع نمودند تا انسانها در پرتو آن ها راه سعادت یابند.

تقدیم به امام راحل که با حرارت جهاد و مبارزه و شهادت، ابدان را کد و یخ بسته سرمای شدید مادیت غرب را به حرکت در آورده حیات تازه ای بخشید.



### تقدیر و تشکر:

به جا و شایسته است که از استاد راهنما حضرت حجة الاسلام والمسلمین سید میر حسن عابدیان تشکر کنم زیرا که تشکر از مخلوق تشکر از خالق است: اولین معلم خداوند است؛ زیرا او خالق و عالمی است که علمش را پایان و انتهای نیست، او انسان را یا تکوینی و تشریح تعلیم فرمود؛ در تکوین قابلیت و ابزار لازم و مناسب را در وجود انسان به ودیعت گذاشت.

و اما در تشریح معلم مباشر انسانها، پیامبران الهی هستند که هر یک در عصر خویش این رسالت عظیم را انجام داده‌اند و آخرین آنها کسی که آخرین سطح علمی و آموزشی را به بشریت آموخت، حضرت محمد ﷺ می‌باشند و مفسر آئین و شریعت او امامان معصوم «علیهم السلام» می‌باشند و بالاخره امروز معلم مباشر ما همین اساتید بزرگوار حج الاسلام و آیات عظام هستند که ما را از علوم خویش بهره‌مند می‌سازند. لذا از همه‌ی اساتید مخصوصاً از استاد بزرگوار سید حسن عابدیان که در این تحقیق ما را راهنمایی نموده‌اند سپاس گذاریم.

## چکیده

این پایان نامه «مسقطات خیار عیب» در سه بخش تنظیم شده است در بخش اول اموری مانند: مفهوم خیار، ماهیت عیب و مفهوم ارش مورد بحث قرار گرفته به این نتیجه ختم می گردد که خیار معنی اسم مصدری داشته در اصطلاح عبارت از (حق فسخ عقد) است. عیب در عرف روشن بوده در روایت و اصطلاح به «زیادی و نقص از خلقت اصلیه» معنی شده است. ارش در لغت بمعنی دیه جراحت دراصل بمعانی فساد، خدش و نزاع آمده در اصطلاح به «مالی» گفته می شود که عوض نقص مالی و جانی تعیین میگردد.»

در بخش دوم مسقطات خیار عیب طی سه فصل پیگیری شده نتایج زیر بدست می آید:

- ۱- اموری مانند اسقاط، تصرف مغیر، و عیب جدیدی که در ضمانت مشتری است، تنها مسقط حق رد می باشند.
  - ۲- منتفی بودن نقص مالی و پر هیز از ربا فقط حق ارش را از بین می برند.
  - ۳- اسقاط، علم به عیب و تبری از عیب بالاتفاق، حق رد و ارش هر دو را ساقط می کنند.
  - ۴- تأخیر اعمال خیار، تصرف بعد از علم به عیب، تصرف مغیر در مواردی که ارش منتفی است و مسقطات رد در جنس ربوی، بعنوان عوامل سقوط حق رد و ارش که مورد اختلاف واقع شده اند مورد بررسی قرار گرفته به این نتیجه منتهی می گردد که از میان عوامل مذکور فقط زوال عیب و تصرف، مسقط در جنس ربوی و موارد دیگری که ارش وجود ندارد، مسقط حق رد و ارش می باشد.
- در بخش سوم اختلاف مشتری و بایع نسبت به عوامل سقوط خیار عیب مورد بحث قرار گرفته احکام آن بیان می گردد و بر اساس قاعدهی «البینه علی المدعی والیمین علی من انکر»، مورد اختلاف طرفین عقد نسبت به حق فسخ و عوامل سقوط آن بررسی شده اند.

## فهرست مطالب

|       |                    |
|-------|--------------------|
| ..... | تقدیم:             |
| ..... | تقدیر و تشکر:      |
| ..... | حمد و سپاس خداوند: |
| ..... | چکیده              |
| ..... | پیشگفتار:          |

## بخش اول: امور مقدماتی

|    |                                     |
|----|-------------------------------------|
| ۱۶ | فصل اول: ماهیت خیار و اصل در آن     |
| ۱۷ | گفتار اول: مفهوم خیار               |
| ۱۷ | معنی لغوی خیار                      |
| ۱۸ | معنی اصطلاحی خیار                   |
| ۲۳ | گفتار دوم: اصالة اللزوم در بیع      |
| ۲۶ | غرض از اصالة اللزوم                 |
| ۲۶ | تمسک به اصالة اللزوم در موارد مشکوک |
| ۲۷ | تقدم اصالة الفساد بر اصالة اللزوم   |
| ۲۸ | گفتار سوم: خیار حق است یا حکم؟      |
| ۲۸ | معنی لغوی حق:                       |
| ۳۰ | حق در اصطلاح فقهاء:                 |
| ۳۲ | حق در علم حقوق:                     |
| ۳۳ | مقایسه‌ی حق و حکم از نظر مفهوم      |
| ۳۶ | مقایسه‌ی حق و حکم از نظر آثار       |
| ۳۸ | خیار حق است:                        |
| ۳۹ | دلیل حق بودن خیار                   |
| ۴۱ | فصل دوم: معنی و ماهیت عیب           |
| ۴۱ | گفتار اول: مفهوم عیب                |
| ۴۱ | الف) عیب در لغت                     |

|    |       |   |
|----|-------|---|
| ۴۲ | ..... | ب) عیب از نگاه فقهاء                      |
| ۴۶ | ..... | ج) عیب در پرتو روایات                     |
| ۴۸ | ..... | گفتار دوم: اصل صحت و سلامت متاع از عیب    |
| ۴۸ | ..... | مراد از اصل صحت و سلامت                   |
| ۵۱ | ..... | کلام صاحب جواهر درباره‌ی اصل صحت و سلامت: |
| ۵۲ | ..... | بررسی کلام صاحب جواهر                     |
| ۵۵ | ..... | اصالة الصحة رافع غرر در معامله است:       |
| ۵۵ | ..... | وجه رفع غرر از ناحیه جهل به صحت           |
| ۵۸ | ..... | شرط صحت در عقد چه فائده‌ای دارد؟          |
| ۵۹ | ..... | نظریه اول: شرط صحت، مفید تأکید است        |
| ۵۹ | ..... | نظریه‌ی دوم: جواز فسخ بعد از تصرف         |
| ۶۰ | ..... | قول مختار                                 |
| ۶۱ | ..... | فصل سوم: مفهوم ارش                        |
| ۶۱ | ..... | گفتار اول: معنی لغوی و اصطلاحی ارش        |
| ۶۱ | ..... | معنی لغوی ارش                             |
| ۶۳ | ..... | معنی اصطلاحی ارش                          |
| ۶۵ | ..... | گفتار دوم: ارش غرامت است یا جزئی از ثمن   |
| ۶۵ | ..... | نظریه‌ی اول: ارش جزئی از ثمن است:         |
| ۶۶ | ..... | نظریه دوم: ارش غرامت است                  |

## بخش دوم: مسقطات خیار عیب

|    |       |                             |
|----|-------|-----------------------------|
| ۷۳ | ..... | فصل اول: مسقطات رد          |
| ۷۳ | ..... | گفتار اول: اسقاط            |
| ۷۴ | ..... | دلایل سقوط رد بواسطه اسقاط: |
| ۷۴ | ..... | دلیل اول: حق بودن خیار      |
| ۷۵ | ..... | دلیل دوم: اجماع             |
| ۷۶ | ..... | گفتار دوم: تصرف             |
| ۷۶ | ..... | اقوال در تصرف:              |

- ۷۸ نظریه مختار: تصرف مغیر، مسقط حق رد است: .....
- ۷۸ طرح دو سؤال: .....
- ۷۸ سؤال اول: آیا مطلق تصرف مسقط است یا تصرف خاص؟ .....
- ۷۹ دلیل مسقطیت تصرف خاص .....
- ۸۱ دلایل مسقط بودن مطلق تصرف .....
- ۸۱ ۱- اجماع .....
- ۸۱ ۲- روایات .....
- ۸۲ دسته اول: روایت جماع: .....
- ۸۲ عدم دلالت روایات جماع بر مسقط بودن مطلق تصرف: .....
- ۸۴ دسته دوم: روایات مربوط به حدث و تفسیر آن به لمس و نظر: .....
- ۸۵ تفسیر صحیح زرارہ: .....
- ۸۶ سؤال دوم: در صورت مسقط بودن تصرف خاص، آن تصرف کدام است؟ .....
- ۸۶ الف - تغییر .....
- ۸۹ ب - رضایت به عیب و علم به آن .....
- ۹۲ گفتار سوم: عیبی که در «ضمانت مشتری» است .....
- ۹۲ ۱- عیب جدید غیر مسقط .....
- ۹۲ مورد اول: عیب قبل از قبض .....
- ۹۳ مورد دوم: حدوث عیب جدید در زمان خیار .....
- ۹۴ دلیل ضمانت بایع نسبت به عیب قبل از قبض و در زمان خیار: .....
- ۹۵ ۲- عیب جدید مسقط .....
- ۹۵ ادله‌ی مسقط بودن عیب جدید: .....
- ۹۵ ۱- اجماع .....
- ۹۶ ۲- روایت جمیل .....
- ۹۷ ۳- اولویت مشتری نسبت به ملک خود .....
- ۹۸ فصل دوم: مسقطات ارش .....
- ۹۸ گفتار اول: منتفی بودن نقص مالی .....
- ۹۸ اقوال در ثبوت حق فسخ و عدم آن .....
- ۹۹ ادله‌ی ثبوت حق فسخ .....
- ۹۹ دلیل سقوط ارش: .....



- گفتار دوم: پرهیز از ربا: ..... ۱۰۰
- شرایط تحقق ربا: ..... ۱۰۰
- اقوال در سقوط ارش و لزوم ربا: ..... ۱۰۱
- نظریه اول: عدم سقوط ارش ..... ۱۰۱
- نظریه دوم: سقوط ارش ..... ۱۰۲
- نظریه مختار: عدم جواز اخذ ارش ..... ۱۰۳
- دلیل عدم جواز اخذ ارش ..... ۱۰۳
- فصل سوم: مسقطات رد و ارش ..... ۱۰۳
- گفتار اول: عوامل اتفاقی رد و ارش ..... ۱۰۴
- عامل اول: اسقاط ..... ۱۰۴
- عامل دوم: علم به عیب ..... ۱۰۴
- ادله‌ی مسقط بودن علم به عیب ..... ۱۰۶
- دلیل اول: اقدام به معامله، با علم به عیب رضایت به آن است: ..... ۱۰۶
- دلیل دوم: روایات ..... ۱۰۷
- ۱- روایت زراره (رحمة الله علیه) ..... ۱۰۷
- مناقشه در مفهوم صحیح‌هی زراره و رد آن ..... ۱۰۸
- وجوه اشکال: ..... ۱۰۸
- اشکال اول: روایت مفهوم ندارد ..... ۱۰۹
- حل اشکال: ..... ۱۰۹
- اشکال دوم: اختلاف در نقل روایت ..... ۱۱۰
- حل اشکال: اختلاف در نقل روایت، مضر نیست: ..... ۱۱۰
- اشکال سوم: موضوع خیار عیب، تبیین و متوجه ساختن مشتری  
توسط بایع است: ..... ۱۱۱
- حل اشکال: ..... ۱۱۱
- اشکال چهارم: قضیه شرطیه (و ایما رجل...) مفهوم ندارد: ..... ۱۱۳
- حل اشکال: ..... ۱۱۳
- ۲- روایت میسر ابن عبد العزیز ..... ۱۱۳
- شرط خیار عیب با علم به عیب و بررسی اقوال ..... ۱۱۴
- دلیل صحت عقد ..... ۱۱۸

- ۱۱۸..... دلیل فساد عقد
- ۱۱۹..... عامل سوم: تبری از عیب
- ۱۲۱..... ادله‌ی سقوط خیار عیب یا تبری از عیب
- ۱۲۱..... دلیل اول: اجماع
- ۱۲۲..... دلیل دوم: لزوم وفا به شرط
- ۱۲۲..... دلیل سوم: روایات
- ۱۲۴..... اشکال نسبت به تبری از عیب و جواب آن
- ۱۲۶..... گفتار دوم: عوامل اختلافی سقوط رد و ارش
- ۱۲۶..... عامل اول: زوال عیب قبل از علم به آن
- ۱۲۶..... اقوال در مسقطیت زوال عیب
- ۱۳۰..... قول مختار: زوال عیب، مسقط حق رد و ارش می باشد
- ۱۳۰..... دلیل ثبوت رد و ارش:
- ۱۳۲..... دلیل سقوط رد و ارش:
- ۱۳۳..... عامل دوم: تأخیر اعمال خیار
- ۱۳۴..... قول اول: عدم سقوط حق رد و ارش
- ۱۳۵..... قول دوم: سقوط حق رد و ارش
- ۱۳۶..... قول سوم: سقوط حق رد و ثبوت ارش
- ۱۳۶..... قول مختار: عدم سقوط حق رد و ارش
- ۱۳۷..... ادله‌ی قائلین به سقوط حق رد و ارش:
- ۱۳۷..... دلیل اول: اصالة اللزوم و عمومات بیع
- ۱۳۹..... دلیل دوم: تأخیر، رضایت به عقد و عیب است
- ۱۴۱..... دلیل عدم مسقطیت تأخیر: اطلاق روایات
- ۱۴۱..... اشکال بر اطلاق روایات و جواب آن
- ۱۴۴..... عامل سوم: تصرف بعد از علم به عیب
- ۱۴۵..... اقوال در تصرف بعد از علم به عیب
- ۱۴۶..... تصرف بعد از علم به عیب به حسب قاعده
- ۱۴۷..... تصرف بعد از علم به عیب از نظر روایات:
- ۱۴۷..... طایفه اول: روایات مطلق:
- ۱۴۹..... طایفه دوم: روایاتی که «ثم وجد فیها عیباً» دارند

- نتیجه‌ی مجموع روایات ..... ۱۵۱
- عامل چهارم: تصرف در مواردی که ارش منتفی است ..... ۱۵۲
- الف) حدیث لا ضرر ..... ۱۵۳
- ب) اطلاق روایات نسبت به سقوط حق رد با منتفی بودن ارش ..... ۱۵۶
- عامل پنجم: عیب جدید در مواردی که ارش وجود ندارد ..... ۱۵۸
- دلیل اول: اختصاص ادله به موارد ثبوت ارش ..... ۱۵۸
- دلیل دوم: ضرر صبر بر معیب مانع از حق رد است ..... ۱۶۱
- عامل ششم: مسقطات رد در جنس ربوی ..... ۱۶۲
- عیب جدید در جنس ربوی ..... ۱۶۳

### بخش سوم: اختلاف متباین در مسقطات خیار عیب

- فصل اول: اختلاف در مسقطاتی که ناشی از فعل مشتری است ..... ۱۶۸
- گفتار اول: اختلاف در علم مشتری نسبت به عیب ..... ۱۶۸
- دلیل اول: منکر بودن مشتری ..... ۱۶۹
- دلیل دوم: قاعده مقتضی و مانع ..... ۱۷۰
- اشکال اول: جریان اصالة اللزوم ..... ۱۷۱
- اشکال دوم: اصل مثبت است ..... ۱۷۱
- گفتار دوم: اختلاف در تبری از عیب ..... ۱۷۲
- وجه اول: منکر بودن مشتری ..... ۱۷۳
- وجه دوم: اصل عدم تبری از عیب ..... ۱۷۴
- توهم و وجوه دفع آن ..... ۱۷۵
- وجه اول: تدلیس مشتری ..... ۱۷۶
- اشکال شیخ اعظم بر وجه اول ..... ۱۷۷
- وجه دوم: انکار مشتری خلاف ظاهر حال و عادت است ..... ۱۷۸
- گفتار سوم: اختلاف در مورد رضایت، تصرف، اسقاط و حدوث عیب ..... ۱۷۸
- دلیل تقدیم قول مشتری ..... ۱۸۰
- دلیل اول: منکر بودن مشتری ..... ۱۸۰
- دلیل دوم: اصالة العدم ..... ۱۸۱
- اشکال بر کلام امام راحل ..... ۱۸۱

|     |  |
|-----|--|
| ۱۸۲ | ..... جواب از اشکال  |
| ۱۸۲ | ..... صورت اول: اصل برای احراز موضوع                       |
| ۱۸۲ | ..... صورت دوم: خود اصل دلیل است                           |
| ۱۸۴ | ..... فصل دوم: اختلاف در مسقطاتی که ناشی از فعل مشتری نیست |
| ۱۸۴ | ..... گفتار اول: اختلاف در زوال عیب سابق و عیب جدید        |
| ۱۸۴ | ..... صورت اول: بایع مدعی، مشتری منکر                      |
| ۱۸۴ | ..... صورت دوم: مشتری مدعی، بایع منکر                      |
| ۱۸۴ | ..... صورت سوم: بایع و مشتری هر دو مدعی و منکرند           |
| ۱۸۵ | ..... قول اول: تقدیم قول مشتری                             |
| ۱۸۵ | ..... دلیل قول اول: استصحاب                                |
| ۱۸۵ | ..... اشکال بر دلیل قول اول:                               |
| ۱۸۶ | ..... جواب از اشکال: اصل بقاء عیب جدید، مثبت است           |
| ۱۸۶ | ..... قول دوم: تحالف                                       |
| ۱۸۸ | ..... نظریه‌ی مختار:                                       |
| ۱۸۹ | ..... گفتار دوم: اختلاف در زمان زوال عیب سابق              |
| ۱۸۹ | ..... دلیل اول: اصل بقاء خیار و عدم زوال مسقط است          |
| ۱۹۰ | ..... دلیل دوم: بایع مدعی و مشتری منکر است                 |
| ۱۹۱ | ..... صورت اول: بایع مدعی و مشتری منکر است                 |
| ۱۹۱ | ..... صورت دوم: بایع و مشتری مدعی و منکرند                 |
| ۱۹۲ | ..... گفتار سوم: اختلاف در زمان حدوث عیب جدید              |
| ۱۹۳ | ..... صورت اول: بایع مدعی و مشتری منکر است                 |
| ۱۹۳ | ..... صورت دوم: مشتری مدعی و بایع منکر است                 |
| ۱۹۳ | ..... صورت سوم: تداعی                                      |
| ۱۹۳ | ..... نظریه‌ی اول: بایع قسم می‌خورد                        |
| ۱۹۴ | ..... ایراد نظریه‌ی اول:                                   |
| ۱۹۵ | ..... نظریه دوم: بایع و مشتری هر دو قسم می‌خورند           |
| ۱۹۶ | ..... جمع بندی مباحث پایان نامه                            |
| ۱۹۸ | ..... فهرست منابع  |

## حمد و سپاس خداوند:

حمد و سپاس خداوندی را سزااست که آفرینندهٔ جهان و انسان است، خدای مهربان که با آموختن به انسان او را از همه موجودات متمایز ساخت، خدای که خلقت انسان را تسریک گفت و فرمود: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»<sup>(۱)</sup> «پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است».

شکر و سپاس خداوندی را که انسان از آنکه بتواند شکر نعمت‌های او را بجا آورد عاجز است خداوندی که به انسان نعمت بیان داد و بیان او را با نعمت قلم جاویدان ساخت. طلبه‌ی حقیر و محتاج در مقام سپاس‌گذاری در مقابل دریا دریا از نعمات خداوندی و مائده رنگارنگ الهی، جز اعتراف به تقصیر و عجز و احساس درماندگی چه چاره‌ای می‌تواند داشته باشد؛ جز امید به لطف و رحمانیت و رحیمیت خداوند و التماس بخشش و مغفرت از خداوند بخشندهٔ مهربان. کسی این امید را می‌تواند داشته باشد که خویش و خدای خویش را شناخته بسان کودک در دامن پر مهر خداوند، چسپیده و بشدت التماس نماید و لحظه‌ای که خود را دور از خدا احساس کند با گریه‌های زار زار عاشقانه در دامن سجاده در دل شب، خدای هزاران مرتبه مهربان‌تر از مادر را متوجه خویش ساخته مشمول رحمت و غفران الهی گردد.

به این امید و به پاس نعمت‌های فراوان خداوند، در این راه تحقیق قدم زده خداوند را سپاس می‌گوییم و سلام و درود می‌فرستیم بر محمد ﷺ و اهل بیت طاهرینش علیهم السلام که واسطه فیض خداوند و برگزیده گان الهی برای تزکیه و تعلیم انسان به سوی فلاح و رستگاری هستند. و درود بر آن ناجیان انسانیت از مفلوک شدن در صحرای مادیت و سلام بر راهروان راه آنان.

پیشگفتار

### پیشگفتار:

مرکز جهانی علوم اسلامی نهاد مقدسی است که در زمینه‌های علوم دینی و نیازمندیهای جهان بشریت، پرورش محقق و شکفتن استعدادهاى قابلیت دار طلاب علوم دینی را مورد اهتمام ویژه قرار داده است و اهداف بلندی را در جهت تحقق تمدن نوین انسانی بر اساس فرهنگ اصیل و متعالی اسلام ناب محمدی ﷺ در پیش دارد. پایان نامه‌ای که در پیش رو دارید در راستای تحقق یکی از برنامه‌های مرکز جهانی علوم اسلامی می‌باشد.

از آن جایی که تجارت و معامله یکی از ضروریات جوامع بشری بوده همواره با ابعاد گوناگون رو به توسعه و گسترش می‌باشد به همین جهت بخش عظیمی از فعالیت‌های بشری را به خود اختصاص می‌دهد بطوری که تبدیل کالا از شکل ابتدائی آن به صورت قابل مصرف و رسیدن برای رفع نیازمندی‌های گوناگون انسان، سلسله طولانی از حلقه‌های بهم پیوسته بیع، اجاره و... تشکیل می‌دهد.

از سوی دیگر، اگر نقل و انتقال کالا بر اساس ضوابط و مقررات عادلانه‌ای تحقق نیابد ممکن است، حقوق زیادی پایمال گردد، لذا در شریعت مقدس اسلام، برای جلوگیری از ضایع شدن حقوق انسانها و نجات از خسارت و زیان‌های مالی و اقتصادی، احکام و ضوابط خاصی وضع شده است که با بکار بستن آنها، تجارت و نقل و انتقال کالا در مسیر صحیح قرار گرفته هیچ حقی ضایع نمی‌گردد، ولی نباید فراموش

کرد که در کنار ضرورت قواعد و احکام، آگاهی از آنها نیز لازم و ضروری می باشد. چه بسا خسران و زیان هایی که در نتیجه جهل و نا آگاهی از قوانین، در معاملات، بر انسان تحمیل گردد. بنابراین بررسی قواعد و احکام تجارت که همواره مورد ابتلای جامعه می باشد یکی از ضروریات جامعه اسلامی است.

یکی از نگرانی های دائمی خریداران در هنگام معامله، معیوب بودن متاع است که موجب ضرر وی و وارد شدن خسارت جبران ناپذیر خواهد شد. امکان رهایی از این ضرر و شرائطی که برای دفع ضرر مذکور باید وجود داشته باشد اموری است که همیشه قابل توجه طرفین معامله بوده است. شرع مقدس اسلام برای دفع این ضرر اقدام به جعل خيار عيب نموده تا از این طریق ضرری بر مشتری تحمیل نشود. اما اینکه شرایط اعمال این خيار چیست و مشتری چه زمانی این حق را پیدا می کند و تحت چه شرایطی این حق از او سلب می شود مسائلی است که باید به آن پرداخته شود.

عوامل و اموری که به موجب آن شخصی دارای خيار عيب از اعمال خيار محروم می گردد یا اینکه در اعمال حق خيار با محدودیت هائی مواجه می شود، اصطلاحاً «مسقطات خيار عيب» نامیده می شود.

برای رسیدن و پرداختن به مسقطات خيار عيب و اینکه چه چیزهایی هستند، بیان مفاهیمی، مثل: مفهوم خيار، ماهیت عيب و مفهوم ارش، لازم به نظر می رسد؛ از این جهت در بخش اول این پایان نامه به توضیح مفاهیم مذکور که از امور مقدماتی می باشند پرداخته شده است.

بخش دوم که خودش مشتمل بر چهار فصل می باشد، بیان مسقطات خيار عيب است و اختلاف طرفین عقد در مسقطات خيار عيب بخش سوم این پایان نامه خواهد بود.



از آنجایی که فقه اسلام از قابلیت پایان ناپذیری برخوردار است و هر موضوع آن دارای گستردگی و وسعت ویژه‌ای می‌باشد، به طوری که پرداختن به تمام ابعاد و زوایای آن کار سخت و دشواری می‌باشد؛ از این رو فقهای نامی مانند مرحوم شیخ انصاری (اعلی الله مقامه) و صاحب جواهر، (قدس سره الشریف) هنگامی که بر روی اقیانوس فقه، کشتی پژوهش و تحقیق را ناخدای می‌کنند گاه گاهی در ساحل الله اعلم و اللهم الا ان يقال، لنگر انداخته و پهلو می‌گیرند.

از سوی دیگر فقهای عظام و مراجع تقلید همواره با همت بلند، بنای فتح تمام ابواب فقه را داشتند؛ با این همه بعضی از مسائل فقهی در برخی بابها به صورت مجمل باقی مانده و یا به حداقل مطالب اکتفا شده است.

پایان نامه حاضر، علی رغم تلاشی که صورت گرفته، خصوصاً با توجه به بضاعت اندک نویسنده، نسبت به زوایای مختلف موضوع مذکور کافی نمی‌باشد؛ لذا اغماض خوانندگان ارجمند، و پوزش هیئت محترم داوران و اساتید بزرگوار را در این زمینه امیدوارم.

و السلام علی من اتبع الهدی

۱۳۸۳/۳/۵

# بخش اوّل:

امور مقدماتی ✍

## امور مقدماتی

از آنجایی که برای بررسی مسقطات خیار عیب، باید ماهیت خیار مشخص باشد و هم چنین مبنی بودن خیار بوجود عیب و پرداخت ارش در مواردی، ما را ناگزیر ساخته که طی سه فصل، مفاهیمی مانند ماهیت خیار، ماهیت عیب و مفهوم ارش را مطرح کنیم.

### فصل اول: ماهیت خیار و اصل در آن

بررسی معنی و حقیقت خیار، از نظر اهل لغت و در اصطلاح فقها و همچنین جایگاه حقوقی و قانونی آن در ذیل سه گفتار مطرح میشود.

#### گفتار اول: مفهوم خیار

##### معنی لغوی خیار

در صحاح اللغة<sup>(۱)</sup> و لسان العرب<sup>(۲)</sup> آمده است: «الخیار اسم من الاختیار و هو الاصطفاء». «خیار اسم مصدر از اختیار، بمعنی برگزیدن و انتخاب کردن است» بنابراین اختیار مصدر باب افتعال و خیار نتیجه آن خواهد بود.

این در حالی است که در مصباح المنیر گفته است: «خیار و خیره به معنی اختیار

۱- الجوهري، اسماعيل بن حماد، الصحاح في اللغة، ج ۳، ص ۶۵۲.  
 ۲- ابن منظور، الافريقي المصري (علامة) جمال الدين، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۶۵.

است»<sup>(۱)</sup>، یعنی خیار و اختیار به یک معنی می باشد.

اسماعیل بن عباد، در المحيط فی اللغة در توضیح معنی خیار می گوید: «رجل خیر و امرأة خیرة ای فاضله»<sup>(۲)</sup>، «مرد خیر و زن خیره به مرد و زن برتر و با فضیلت می گویند». در صحاح اللغة<sup>(۳)</sup> و لسان العرب<sup>(۴)</sup> گفته اند: «الخیر ضد الشر و الخیار خلاف الاشرار». «خیر ضد شر و خیار مخالف اشرار می باشد».

بنابراین کلمه خیر و خیار متضمن معنی همدیگر می باشند؛ خیر از آن جهت خیر گفته می شود که همواره مورد گزینش و انتخاب قرار می گیرد. و در مقابل شر همیشه میل و رغبت به برگزیدن آن موجود است.

در اعمال خیار و انتخاب هر چیزی، انسان خیر و صلاحش را مورد توجه قرار می دهد؛ از این رو به آن خیار گفته می شود، یعنی دست به انتخاب می زند و هم در انتخاب کردن، آنچه مفید است انتخاب می کند.

قابل ذکر است که گزینش و انتخاب معنی مصدری است. به عبارت دیگر خیار که اسم مصدر می باشد، نتیجه اختیار است که بهتر است به «رهای و آزادی» معنی کنیم؛ لذا به حق فسخ، خیار می گویند؛ چونکه در آن رهایی از لزوم بیع می باشد.

### معنی اصطلاحی خیار

عبارت های گوناگون و مختلف فقهای عظام، در زمینه بیان حقیقت و معنی خیار در معاملات، بیانگر این مطلب است که علی رغم لازم بودن بیع؛ گاهی طرفین معامله و یا

۱ - فیومی، مصباح المنیر، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲ - اسماعیل، بن عباد المحيط فی اللغة، ج ۴، ص ۴۶.

۳ - الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح فی اللغة، ج ۳، ص ۶۵۳.

۴ - ابن منظور، الافریقی المصری (علامة) جمال الدین، لسان العرب، ج ۴، ص ۳۶۵.